

## جایگاه امنیت قضایی و حقوق شهروندی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

الناز کتانچی<sup>۱</sup>، الناز خلیلی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران  
<sup>۲</sup> کارشناس ارشد حقوق خانواده

نویسنده مسئول:

الناز کتانچی



### چکیده

از آنجایی که حقوق شهروندی دارای ویژگی تقسیم ناپذیر بودن، جهانی بودن و غیر قابل انتقال بودن است در واقع، نوعی حقوق بشر محلی و داخلی می‌باشد، که فلسفه وجودی‌اش در راستای کرامت بخشیدن به شهروندان و تعالی نقش آن‌ها در مدیریت جامعه بوده و سلباً متوجه تکالیف دولت‌ها در تلاش برای رفع تبعیض در سطح جوامع و تحقق یکسان‌نگاری افراد بر پایه انسانیت بوده است. لذا یکی از تکالیف دولت نسبت به شهروندان ایجاد امنیت قضایی برای آنان می‌باشد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر مهم توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. بنابراین این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین جایگاه امنیت قضایی در قانون اساسی و متن منشور حقوق شهروندی نگاشته شده است.

**کلمات کلیدی:** حقوق شهروندی، امنیت قضایی، قانون اساسی، حقوق موضوعه ایران.

**مقدمه**

فلسفه قانون گذاری، ایجاد امنیت قضایی برای آحاد مردم است به نحوی که افراد جامعه بتوانند به اتکای جنسیت، نژاد، دین و رنگ خود یا دیگران زورمدارانه رفتار نکنند. حریم امنیت قضایی را قانون تعیین می کند و دستگاه قضایی نگهبان این حریم است. بنابراین اعتماد شهروندان به قوه قضائیه توانمند و سالم و احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون، امنیت قضایی را تشکیل می دهد.

برای برقراری همه جانبه امنیت در اجتماع، به دستگاه قضایی هوشیاری نیاز است که بتواند قوانین قضایی را پیاده کند. دستگاه قضایی باید توانا، عدالت گستر باشد تا بتواند جریاناتی که در جامعه اتفاق می افتد، درک کند. پناه مظلومان، ضد ظالمان و توانا بر متجاوزان و مهربان با خطا کاران باشد، البته در جایی که باید مهربانی داشته باشد. شهروندان نیز باید به وجود چنین دستگاه قضایی اطمینان داشته باشند و آن را در هنگام ستم دیدگی و رنج، پناه گاهی مطمئن بدانند.

قضاوت دادگستر و تلاش گر زمانی نقش خود را ایفا می کند که به قوانین و نظام دادگستری متکی باشد تا بتواند خود را با جریانات جامعه و آن چه آزادی فرد و سلامت جامعه را تضمین می کند، هماهنگ باشد.

و نیز هماهنگی با قوانین و نظام قضایی در زمانی تحقق می یابد که شهروندان آن ها را با جان و دل پذیرا باشند و آن قوانین و نظام را ابزاری برای برداشتن ظلم و انحراف بدانند. و این پذیرایی و باوری با تربیت درست که دل و اندیشه انسان را در عدالت پذیری و عدالت گستری قرار دهد، تحقق می یابد (شریعتمدار جزایری، ۱۳۷۹، ۳۰).

بنابراین در این مقاله اهمیت و جایگاه امنیت قضایی در قانون اساسی و حقوق شهروندی در قانونی اساسی و پیش شرط های امنیت قضایی در رسیدن به حقوق شهروندی مطلوب مورد بررسی قرار می گیرند.

**۱. امنیت قضایی در قانون اساسی**

قانون اساسی به عنوان منشور ملی که تلاش کرده است حقوق متقابل شهروندان و حاکمان را تدوین کند، طی اصول متفاوتی امنیت قضایی را مطرح کرده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از دستورات اسلامی، فقه و حقوق اسلامی، اهمیت زیادی برای امنیت قضایی افراد قائل شده است. در اصل ۲۱ قانون اساسی به صراحت آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می کند» (اشرفی، ۱۳۷۶).

قانون اساسی در این اصل به حقوق اساسی حیاتی افراد و شهروندان جامعه تأکید می کند و در عین حال برای حفظ همین حقوق و آزادی ها تصریح شده، در چارچوب قانون، محدودیت هایی را مجاز می شمارد. محدودیت های ناشی از تجاوز و تعدی از قانون، برای تأمین امنیت فردی در نظر گرفته شده است. به این معنا، در صورت عدم احترام و تعدی و تجاوز به قانون، نهاد قضایی می تواند در چارچوب قانون، این حقوق اساسی را برای متجاوزان به قانون، محدود سازد.

امنیت قضایی مفهومی است که بیشتر متوجه نهاد و دستگاه قضایی است و مؤلفه های امنیت قضایی در مواجهه با ساختار، وظایف و عملکرد دستگاه قضایی به دست می آیند. از این رو امنیت قضایی یکی از حقوق شهروندان بر دولت و دستگاه حکومت تلقی می شود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این وظیفه به نهاد قضائیه محول شده است.

بنابراین اصل ۲۲ قانون اساسی نیز تأکید کرده است: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند». قانون، هم موارد دستگیری مجرمان یا متهمان را تعیین کرده و هم ترتیب دستگیری آنان را مشخص نموده است. از این رو، نهاد قضایی تنها در چارچوب قانون می تواند برخی از حقوق و آزادی های فردی را به نام حفظ امنیت یا آزادی محدود سازد. همچنین قانون اساسی در مورد نحوه برخورد با متهمان و مجرمان نیز مسئله رعایت احترام و حقوق فردی را مورد توجه قرار داده است و رعایت حقوق مجرمان و متهمان را نیز لازم شمرده است (راوندی، ۱۳۵۷).

مطابق اصل ۶۱ قانون اساسی، اعمال قوه قضائیه باید بر اساس موازین اسلامی باشد، با عنایت به اصول ۱۵۶ تا ۱۵۹ این قانون، دادگستری محل تظلمات عمومی است و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تحقق عدالت بر عهده این نهاد است. به موجب اصل ۱۵ قانون اساسی، مجازات باید علنی باشد، مگر در موارد استثنایی که قانون مقرر می کند. برابر اصل ۶۶ قانون اساسی، احکام دادگاه ها باید مستند به مواد و قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. اصل ۱۶۷ این قانون می گوید: «قاضی موظف است حکم هر دعوا را جستجو کند و به هیچ بهانه ای نمی تواند از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع کند». مطابق اصل ۱۶۹ که اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانون مؤخر، جرم به حساب نمی آید. در اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از این اشتباه قاضی، پیش بینی شده است (منصور، ۱۳۸۵، ۴۰ به بعد).

قانون اساسی در اصل سوم (بند ۱۴) دولت (به معنای کلیت آن به عنوان هیئت حاکمه) را موظف نموده است، برای نیل به اهداف عالی خود که در اصل دوم به تشریح بیان کرده است، همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، به کار گیرد. در واقع از این دیدگاه، امنیت قضایی صرف نظر از نژاد، مذهب، ملیت، رنگ، جنسیت و... حقی مسلم برای انسان است. بر این اساس، امور قضایی، به هر میزان که از معیارهای نظام عادلانه به دور باشد به همان میزان جامعه از امنیت قضایی محروم خواهد بود و این محرومیت به سایر حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی (که این بخش باید پاسدار آن باشد)، نیز سرایت می‌کند و آنها را محدود می‌سازد. از این رو، اصل ۱۵۶، تشکیل قوه قضائیه را این گونه تبیین و مقرر کرده است: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، و شکایات، حل و فصل‌های دعاوی، رفع خصومت‌ها، اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین؛
۴. کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

## ۲. حقوق شهروندی در قانون اساسی

یکی از ابعاد حقوق شهروندی مورد اشاره در قانون اساسی، حقوق قضایی است. هدف اصلی حقوق قضایی شهروندان، ایجاد امنیت قضایی برای اعضای جامعه است. حقوق قضایی آن دسته از حقوقی است که فرد در برخورد با دستگاه قضایی باید از آن برخوردار باشد. برخی از این حقوق عبارت است از: حق داشتن وکیل، حق آگاهی از موضوع اتهام، حق حضور نزد قاضی و محاکم و حق شروع دادرسی در زمان مناسب (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۲۳۰).

قانون اساسی به عنوان فقه سیاسی مکتوب شیعه، توجه خاصی به حقوق شهروندی نموده، به طوری که نژاد و زبان را موجب تفاوت در برخورداری از این حقوق نمی‌داند و دولت را موظف به رعایت حقوق شهروندی برای همه‌ی انسان‌ها می‌کند، ضمن اینکه قانون اساسی نه تنها به ذکر نظری حقوق شهروندی توجه کافی داشته بلکه در عمل، هر سه قوه حاکمیت را مدافع این حقوق قلمداد کرده و سهم ویژه‌ای برای قوه قضائیه قائل شده است. محتوای قانون اساسی در رابطه با حقوق شهروندی به سه دسته تقسیم می‌شود.

دسته نخست، حقوقی است که بدون قید و شرط، حق همه افراد جامعه شناخته می‌شود و بیشترین اصول (اصل ۱۶) به حقوق شهروندی مانند تأمین امنیت قضایی عادلانه، مسکن و انتخاب شغل مربوط می‌شود. دسته دوم، قوانینی است که در متن اصل قانون مقید و محدود شده که قید حکم به قانون تعیین شده است (اصل ۷): «تبعید ممنوع است، مگر به حکم قانون».

دسته سوم، قوانینی است که ناظر بر حقوق مشروط شهروندان است که اصل شرط در متن قانون لحاظ شده است (اصل ۵)، مانند عدم اطلاع از مبانی اسلام، عدم نقض، استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران.

همچنین هشت اصل از قانون اساسی به حقوق قضایی شهروندان تخصیص داده شده است که عبارتند از:

۱. عطف به ماسبق نشدن قانون (اصل ۱۶۹)،
۲. قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (اصل ۳۶)،
۳. براءت به عنوان تضمینی برای حفظ امنیت قضایی شهروندان (اصل ۳۷)،
۴. تأمین قضایی (اصل ۳۲)،
۵. استفاده از حق وکیل (اصل ۳۵)،
۶. ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارباب (اصل ۳۸)،
۷. علنی بودن دادرسی (اصل ۱۵) و
۸. حق مسلم دادخواهی (اصل ۳۴)؛

اینها از جمله حقوق قضایی شهروندی هستند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. رعایت اصول یاد شده موجب ایجاد وضعیتی به نام «امنیت قضایی» می‌شود.

### ۳. پیش شرط‌های تحقق امنیت قضایی

امنیت قضایی به رعایت اصول یاد شده همراه با اصل حاکمیت قانون به ضمانت‌های حقوقی نظیر تعبیت رئیس قوه قضائیه از حاکمیت قانون (اصل ۱۵۸)، علنی بودن دادرسی و مسئولیت قضات نیاز دارد. بنابراین بر قوه قضائیه به عنوان یکی از قوای سه گانه کشور است که حرمت و حقوق شهروندان (از جمله حق دفاع متهمان و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس) را بشناسد و رعایت کند و ضامن ایجاد امنیت و اجرای قانون باشد. مسلماً چنانچه متهم بتواند از وکیل استفاده کند، دستگاه قضایی نیز به کمک تخصص وکیل، بهتر می‌تواند سره را از ناسره جدا نماید و احتمال اینکه متهمی به ناحق مجرم شناخته شود، به حداقل می‌رسد و اصل کرامت رعایت خواهد شد. در قرآن کریم نیز حقوق انسان‌ها بسیار محترم است تا آنجا که خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ ما به فرزندان انسان کرامت بخشیدیم» (اسراء، آیه ۷۰).

وقتی که خداوند انسان را محترم می‌شمارد، قطعاً برای او حقوقی قائل است. وقتی که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام) نیز در مورد انسان و شهروند به احترام سخن می‌گویند، پیداست که چه وظیفه و تکالیف سنگینی بر دوش ما قرار دارد تا حقوق انسان‌ها و شهروندان را محترم بشماریم و آنها را ادا کنیم.

بی‌گمان کشف و تعقیب جرائم بایستی با دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد زیرا در زمینه‌ی کشف و تعقیب در بسیاری از موارد ممکن است کشف و تعقیب جرم به هتک حرمت افرادی به غیر از مظنونین بیانجامد، در حالی که حرمت انسان را به دلیل تعقیب مظنون دیگر نمی‌توان نادیده گرفت و از بین برد. بازداشت نیز با توجه به اینکه مخالف حق آزادی انسان است، باید با دقت و علم کافی انجام گیرد زیرا پس از بازداشت فرد، حق آزادی که حقی بالفطره و ذاتی است، سلب خواهد شد. اعمال سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت باعث هرج و مرج در دستگاه قضایی و پس از آن در کل جامعه خواهد شد. قطعاً قانون برای هر فرد وظایفی مشخص کرده که در چارچوب آن می‌توان با مظنون برخورد کرد و اگر پا را فراتر از آن بگذاریم، قطعاً ناقض حقوق شهروندان خواهیم بود. در زندگی و سخنان امام علی (علیه السلام) می‌توان شواهد فراوانی مبنی بر جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی یافت؛ به عنوان مثال امام (علیه السلام) در خطبه‌ای فرمودند: «خداوند حدودی را مقرر فرموده است پس از آنها تجاوز نکنید». نیز از ایشان نقل شده، امام (علیه السلام) به قنبر دستور دادند بر مردی حد جاری کند، قنبر به سبب ناراحتی سه ضربه بیشتر از مجازات تعیین شده بر مجرم وارد کرد، امام (علیه السلام) سه ضربه بر قنبر به دلیل تعدی از حد جاری ساختند.

سخن و عمل امام (علیه السلام) دقیقاً بیانگر جلوگیری از اعمال سلیقه در برخورد با شهروندان و مجرمان است. جلوگیری از اعمال خشونت به حقی اشاره می‌کند که هم در منشور جهانی سازمان ملل به آن اشاره شده و هم در کنفرانس متفکران اسلامی به عنوان یکی از حقوق اساسی جامعه و شهروندان برشمرده شده است. دین اسلام نیز بر جلوگیری و منع شکنجه تأکید بسیار دارد (دستی، ۱۳۸۰، ۲۳۸-۲۳۷).

اصل برائت متهم در زمانی که مدرک مستدل علیه وی وجود ندارد نیز ناظر به حق امنیت جامعه و شهروندان است. رشد، بالندگی و سیر به سوی کمال، جز در بستر امنیت، نظم اجتماعی و قانون معنا نمی‌یابد و هیچ چیز مانند عدم امنیت، فقدان نظم اجتماعی و بی‌قانونی به جوامع انسانی آسیب نمی‌رساند.

از این رو، تصویب قوانین و مقررات با ویژگی‌های مطلوب از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی نویسندگان، هشت شرط: عمومیت، وضوح و شفافیت، امکان امثال (یعنی فراتر از توان افراد نباشد)، انتشار رسمی، عطف به ماسبق نشدن، غیرمعارض بودن، استمرار نسبی (یعنی دچار تغییرات مکرر و مداوم نباشد تا شهروندان بتوانند عمل خود را با آن تنظیم کنند)، وجود انطباق بین قانون اعلامی و اجرای آن توسط کارگزاران و مجریان (سید فاطمی، ۱۳۸۲، ۱۰۱) را برای قانون ایده‌آل قائل شده‌اند.

برخی نیز در مورد شرایط و ویژگی قانون، معتقدند قوانین باید جامع، واضح، قاطع و در دسترس باشد و از لحاظ شیوه تقنینی و اجرا، مشروع بوده و ثبات، انعطاف پذیری و تعادل مناسبی را بین دو اصل مهم، ایجاد کند. بنابراین قوانین مصوب باید دارای ویژگی‌های ذیل باشند:

۱. عمومیت داشته باشند.
۲. برای اطلاع عموم منتشر شوند.
۳. از وضوح و شفافیت کافی برخوردار باشند.
۴. ناظر به آینده باشند.
۵. با واقعیات و نیازهای اجتماعی منطبق باشند.
۶. مستمر و باثبات باشند.

در همین رابطه اصل ۳۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». اصل ۳۷ بر براءت تأکید دارد. اصل ۱۶۶ نیز مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل به مواد قانونی و اصولی باشند که بر اساس آن حکم صادر شده است». اصل ۱۶۹ قاعده عدم عطف قوانین کیفری به گذشته را بیان کرده است. بند «۴» اصل ۱۵۶ بر کشف جرم، تعقیب، مجازات، و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام تأکید دارد (منصور، ۱۳۸۵، ۱۵ به بعد). در فصل مربوط به حقوق ملت در اصول ۲۲ تا ۲۵ و همچنین اصول ۳۴-۳۲ و ۳۹ تمسک و استناد به قوانین ضروری دانسته شده و برای حل مشکلات ناشی از تعدد منابع قانونی و شرعی، اصل ۱۶۷ قانون اساسی را پیش بینی کرده است. مواد ۲ و ۴ قانون مدنی نیز در مورد لزوم انتشار قوانین و قلمرو حکومت قانون در زمان، از صراحت کافی برخوردار است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۰).

در کنار تدوین قوانین و اجرای صحیح آن در قوه قضائیه، حفظ استقلال دستگاه قضایی نیز از پیش شرط‌های مهم تحقق و تضمین امنیت قضایی است زیرا در صورتی که دستگاه قضایی از ابعاد مختلف استقلال لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند رسالت‌های محوله در قانون اساسی را به نحو کامل اجرا شود و از این رو نباید انتظار داشت که امنیت قضایی برای شهروندان جامعه تضمین شود. استقلال دستگاه قضایی و آثار حاکمیت قانون در گسترش عدالت، حمایت از حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع، اقتضا می‌کند که دادستان‌ها در عین حفظ استقلال دستگاه قضایی و همکاری با مسئولان اجرایی و انتظامی، به نحوی انجام وظیفه کند که اقدامات و عملکرد آنها به تقویت حاکمیت قانون کمک نماید.

نقش قاضی در رسیدگی به دعاوی، احقاق حقوق مردم، تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، تحقق عدالت، ایجاد امنیت قضایی و حمایت از مظلومان، به نحوی است که همه نظام‌های حقوقی در مورد گزینش، استخدام، نظارت، تأمین معیشت، مصونیت و حمایت از قضات در قالب مقررات خاص اقدام می‌نمایند. قرآن کریم نیز در آیات ۵۸<sup>۱</sup>، ۱۰۵<sup>۲</sup> و ۱۳۵<sup>۳</sup> سوره نساء، آیه ۲۶ سوره ص<sup>۴</sup> و آیه ۴۱ سوره مائده<sup>۵</sup> به این مطلب اشاره دارد.

## نتیجه گیری

امنیت قضایی، نوعی اطمینان و تضمین است که دولت‌ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان، ایجاد می‌کنند تا شهروندان در سایه‌ی این امنیت، بتوانند فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را در چارچوب قانون به انجام رسانند. در صورت وجود امنیت قضایی است که مردم می‌توانند اعتماد و اطمینان برای عدم تعرض به حقوق شرعی و قانونی خود در جامعه داشته باشند و حکومت را به عنوان پشتوانه‌ای تلقی کنند که در صورت لزوم بتواند به عوامل ایجادکننده ناامنی پاسخ دهد و آنها را به موجب تعرضی که داشته‌اند، محاکمه کند.

از این رو امنیت قضایی کاربرد دوگانه‌ای دارد. از یک سو به کارویژه‌ها و وظایف دولت در برابر ملت اشاره دارد که دستگاه حاکم باید شرایط ایجاد امنیت قضایی را به عنوان یکی از شئون کلی امنیت در جامعه فراهم سازد و شهروندان بتوانند از عدالت در قضاوت و رسیدگی قضایی برخوردار باشند و از سوی دیگر، شهروندان نسبت به اجرای اقدامات خارج از قانون، امنیت داشته باشند.

با این نگاه به امنیت قضایی، نوعی مصونیت قضایی شهروندان مطرح می‌شود که آنان را از هرگونه تجاوز و تعرضی نظیر قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه‌های روحی و جسمی و سایر مجازات‌های غیرقانونی و به تعبیر دیگر هر عملی که منافی شئون و حیثیت انسانی آنهاست نظیر فحشاء، بهره کشی و... که بر اساس موازین منطقی و قانونی نباشد، در امان می‌دارد.

بنابراین با مذاقه در منشور حقوق شهروندی توجه به امنیت قضایی شهروندان به چشم می‌خورد که این امر مهم و ضروری برای دستیابی به اصول حقوق شهروندی مورد توجه واقع شده است که از نکات مثبت متن منشور به شمار می‌آید.

<sup>۱</sup> «... إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» (۵۸)

<sup>۲</sup> «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ حَصِيمًا» (۱۰۵)

<sup>۳</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا» (۱۳۵)

<sup>۴</sup> «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...» (۲۶)

<sup>۵</sup> «... إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۴۱)

## منابع و مراجع

### قرآن

۱. اشرفی، مجتبی، ۱۳۷۶، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲. جزایری شریعتمدار، سید نورالدین، ۱۳۷۹، امنیت در فقه سیاسی شیعه، فصلنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۹-۳۶.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۴، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. دشتی، محمد، ۱۳۸۰، ترجمه نهج البلاغه، چاپ نهم، تهران: انتشارات مشهور.
۵. راوندی، مرتضی، ۱۳۵۷، تفسیر قانون اساسی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مبشری.
۶. سیدفاطمی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، حقوق بشر در جهان معاصر، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیستم، تهران: نشر میزان.
۸. معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵، متن منشور حقوق شهروندی.
۹. منصور، جهانگیر، ۱۳۸۵، مجموعه قوانین؛ قانون اساسی، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر دادیار.

